

به پیش!

چهارشنبه ۷ آذر ۱۳۸۶، ۲۸ نوامبر ۲۰۰۷

هر دو هفته یک بار منتشر میشود

شماره ۲۶

اتحاد سوسیالیستی کارگری

مرگ بر حکومت

تروریست - اسلامی سرمایه!

شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری

(بیست و ششم مهرماه هشتاد و شش خورشیدی) سه تن از مزدوران موتور سوار و نقابدار حکومت اسلامی ، مجید حمیدی عضو مشترک کمیته هماهنگی و

کمیته ی دفاع از محمود صالحی را در حین رفتن به سرکار به گلوله بستند . حال مجید وخیم گزارش شده است و طبق آخرین اخبار پس از اعزام به تهران هم اکنون در بیمارستان امیر علم بستری است.

حکومت اسلامی سرمایه زنجیره ی به هم پیوسته ی جنایت و ترور را در اشکالی از آدمربایی های علنی و غیر علنی و ترور فعالین جنبش کارگری، در اقصی نقاط

کشور تشدید نموده است. این امر بیش از هر چیز نشانگر آنستکه رژیم ، از پس عقب نشینی در جبهه ی خوزستان ، فعالین جنبش کارگری را در مقیاس سراسری آماج یورش مستقیم خود قرار داده است . در واقع سیاست انصر بالرب به عنوان هسته اصلی ایدئولوژی حکومت اسلامی طی سی سال گذشته ، با عنوان تازه و

بقیه در صفحه ۲

تنها راه

مینا فرخنده

امروز سرمایه داری ایران، پستی را به جایی رسانده که برای سود بیشتر خود و سرمایه بیشتر ، حتی اززدیدن لقمه نانی از دست کودکان گرسنه دریغ نمی کند، آنها آنقدر پول و پله و سرمایه به جیب زده اند که نمی دانند، آن را چطور می بایست به مصرف برسانند، یا پول هایشان را در کشورهای عربی خرج عیش و عشرت های خود می کنند، ویا هر روز برای برآورده کردن هزار و یک هوا و هوس من درآوردی و عجیب و غریب و ناسالم به مصرف می رسانند. در عوض وقتی می خواهند حقوق عقب افتاده کارگران را پرداخت کنند ، دم ازورشکستگی، ندا شتن و زیان و ضررهای خود می زنند . جلوی چشمان از حدقه در آمده و گرسنه؛ همه ی فروشگاه ها از مواد غذایی پرو خالی می شوند و یک عده به راحتی هر چه بخواهند، می توانند، فراهم کنند. درمقابل پول و سرمایه ای که بی حساب و کتاب در دست یک عده انباشته شده ، اکثریت با گرسنگی و محرومیت دست و پنجه نرم می کنند.

نمایندگان واقعی کارگری و دانشجویان و

بقیه در صفحه ۲



انقلاب اکتبر انقلابی که مهر خود را به سرنوشت کل جهان معاصر کوید

سحر صبا

هر قدر این روز بزرگ از ما دورتر می شود. اهمیت و ویژگیهای این انقلاب پرولتری بر ما روشنتر می گردد. انقلاب اکتبر یک تحول عظیم در تغییر جامعه و زندگی توده های میلیونی مردم بود که در مدت کوتاهی پر معناترین و گرانبهارترین درسها و ارزشها را به مردم روسیه و جهان آموخت. در حدود ۹۰ سال پیش انقلاب اکتبر بعنوان طلایه از یک دوران نوین به

بقیه در صفحه ۴

نهادهای همبستگی در خارج از کشور ضرورت، اهداف و استراتژی

شروین رها

مدهاست که در خارج از کشور نهادهایی با عنوان کانونها و کمیته های همبستگی (ازاین به بعد نهادهای همبستگی) با مبارزات کارگری در ایران شکل گرفته ودر قالب بیانیه یا پلاتفرم اهداف و وظائفی را برای خود تعریف کرده اند. ایده ایجاد چنین نهادهایی در میان فعالین کارگری و چپ تبعیدی در خارج ازکشورتازه گی ندارد و تشکیل همواره مشغله آنان بوده است که از جمله میتوان به انجمن کارگر تبعیدی ،فعالیت توسط انجمن هواداران حزب کمونیست ، نهادهای همبستگی اسپانسر نشریه کارگر امروزو بالاخره اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران(از این به بعد اتحاد) اشاره کرد. اتحاد که در معرفی جنبش کارگری ایران و فعالین آن نزد مجامع بین المللی کارگری خصوصا در چند سال اخیر نقش بسزایی داشته است ، دراول مه ۱۹۹۹ تشکیل شد و نتیجه تلاش فعالینی بود که از طریق اتحادیه پست کانادا به جنبش کارگری آنجا وصل شدند و برای جنبش کارگری ایران از آنها حمایتهایی گرفتند. طی سالهای اخیر در کشورهای

بقیه در صفحه ۳

پیش بسوی ایجاد تشکلهای کارگری به نیروی خود کارگران!

دم و دستگاه های حکومتی سرمایه که عرصه را بر خود تنگ می بینند. اگر در گذشته جرات می کردند، بدون ترس و با اعلام آشکار حکم های اعدام و ابد بدهند، امروز از ترس خشم ماست که نماینده واقعی کارگران را "مجید حمیدی" را در خیابان ها طعمه مزدوران نقاب دارو قاتل خود می کنند! آنها با توسل به هر ترافی که در چنته دارند و با توسل به هر حيله و نیرنگی که بتوانند، تمام سلاحهای خود را به کار می اندازند تا مانع ما برای ادامه مبارزه برای کسب حقوق حقه مان شوند.

برای جلوگیری از این وحشیگری ها، برای حمایت از نمایندگان خود راه دیگری جزمیاری بیشتر و مبارزه متشکل ترو آگاهانه تری برای ما باقی نمی ماند. ما کارگران هر چه بیشتر خود را پشت رهبران و نمایندگان واقعی خود متشکل کنیم و هر چه بیشتر به حمایت از آنان بایستیم، استوار تر می شویم و به ستون هایی تبدیل خواهیم شد که دیگر هیچ چیز نمی تواند خرابشان کند، همین است که پشت سرمایه داران و حامیانش را از ترس می لرزاند؛

هر چه بیشتر از نمایندگان واقعی خود دفاع کنیم، راه را برای کسب حق و حقوق خود بازتر می کنیم و تنها در این صورت است که می توانیم خود و خانواده های خود را از این خفت و خواری، زجر، محرومیت و نداری نجات دهیم..

رفاه و آسایش برای خانواده های کارگری یعنی محروم شدن سرمایه داران از ثروت باد آورده شان. و برای تحقق آن تنها یک راه وجود دارد: "مبارزه متشکل کارگری در کنار نمایندگان خود؛ برای کسب حقوق لگدمال شدهمان.

۳۰ اکتبر ۲۰۰۷

تنها راه

مردم شریف و مبارز را همراه قاتلین و قاچاقچیان مواد مخدر به زندان ها انداخته اند، رهبران کارگری نظیر "محمود صالحی" ها در زندان با اعمال شاقه نگاه داری می شوند و از او حتی حق درمان بیماریش سلب می شود، و او در زندان با اعمال شاقه، با مرگ دست و پنجه نرم می کند.

اما دیگر سرمایه داری و مزدورانش نظیر احمدی نژادها که با اعتراضات گسترده کارگری و دانشجویی مواجه شده اند، فهمیده اند که دیگر ما نمی توانیم این وضعیت را تحمل کنیم و جانهایمان به لبهایمان رسیده؛ فریاد های "مرگ برحامی سرمایه دار"، "کارگر زندانی محمود صالحی آزاد باید گردد"، "پیش بسوی تشکل های مستقل کارگری"،... دیگر همه جا به گوش می رسد، امروز دیگر دوران اینکه آنها هر چه می خواهند بکنند، به سر رسیده؛ دستا نشان مثل گذشته باز نیست و نمی توانند مثل سابق هر چه دلشان می خواهد، قلدری بکنند.

دیگر تک تک کارگران از هر گوشه و کناری می دانند، برای زنده ماندن و زندگی کردن، تنها راه مبارزه ای متشکل است و یک دست صدا ندارد! همه کارگران دیگر می دانند که نمایندگان واقعی خودشان را می بایست در میان خود جستجو کنند. اینکه رهبران واقعی کارگری و نمایندگان کارگری منتخب از میان خودشان، کسانی هستند که حرف دل کارگران را می زنند، نه حرف دل سرمایه داران را، و کسی که حرف دل سرمایه داران را بزند، نمی تواند رهبر و نماینده کارگری باشد، دیگر بر هیچ کس پنهان

مرگ بر حکومت تروریست - اسلامی سرمایه!

نظامی "جنگ های نامتقارن" در مصاف با جنبش کارگری وارد فاز عملیاتی شده و به عبارت بهتر در ابعادی وسیعتر تشدید گردیده است. رژیم در دور تازه ی سرکوب، به چیزی کمتر از تمکین صفوف پرولتاریای ایران در مقابل پی آمدهای سیاستهای جنایت کارانه ی نئولیبرالیستی راضی نیست. در این مسیر هدف اولیه خود را محروم کردن جنبش کارگری و کلیت جامعه از حضور رهبران و سازمان دهندگان گرایش چپ و سازش ناپذیر خود یافته است.

بی تردید صفوف پیوسته ی کارگران و زحمتکشان در هر استان و در هر شهر، در هر کارخانه و هر محله؛ در مقابله با هر تعرض احتمالی دژخیمان سرمایه، در اعتراض به هر عمل تروریستی پاسداران بی شرف و دیگر عبادی نقابدار و ترسوی حکومت، رژیم را در کلیت آن به هزیمت خواهد انداخت. اما سازماندهی نیروی بیکران کارگران و زحمت کشان در گستره ای به وسعت کل جامعه و در جبهه ای با عظمت جنگ طبقاتی؛ همچنین درگرو تداوم گام های مستحکم در جهت سازماندهی تشکل های فراگیر و رزمنده است.

برای رویارویی تمام عیار با جنگ نامتقارن حکومت اسلامی سرمایه، کارگران نیازمند اسلحه بزرگ خود، نیروی منسجم و یکپارچه ی خود، تشکلات توده ای - طبقاتی خود در مقیاس سراسری هستند.

۲۹ مهر ۱۳۸۶

۲۱ اکتبر ۲۰۰۷

Postfach 940166
60459 Frankfurt Germany

bepish@hotmail.fr

به پیش!

به پیش! زیر نظر شورای نویسندگان و ویراستاران منتشر میشود. مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. نظرات جمعی شورا در سرمقاله یا مقالاتی با امضای **به پیش!** منعکس میگردد. شورا در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش هر نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.

نهادهای همبستگی در خارج از کشور

مختلف و به خصوص بعد از ترتیب ملاقات محمود صالحی از فعالین کارگری با نماینده های فدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری در تهران که به ابتکار اتحاد صورت گرفت، نهادهای همبستگی تشکیل و گسترش یافتند و با اتحاد و در کنار آن اقداماتی را در پشتیبانی از مبارزات کارگری در ایران در دستور کار خود قرار دادند.

به عبارتی فعل و انفعالات در خارج از کشور در چند سال اخیر به امری اتفاقی بلکه کاملاً آگاهانه، به ابتکار فعالین کارگری و چپ و در پاسخ به امری ضروری بوده است که خود از مبارزات کارگری داخل ایران سرچشمه میگرد و آن همانا جنب و جوش در مادیت بخشیدن به نهادهای کارگری بوده است.

با تحرک سرمایه در ایران در شکل بخشیدن به نهادهای خود در شرایط جدید جهانی و در انطباق با سیاست نئولیبرالیسم، در خصوص تغییرات مربوط به قوانین کارنیز سر و سامان دادن به نهادهایی در چهارچوب سیاست ارگانهای بین المللی همچون سازمان جهانی کار (ای ال او) ضروری شد تا از این رهگذر ایران به قاعده عمومی حرکت سرمایه در سطح جهانی بپیوندد. چرا که همانا یکی از پیش شرطهای پیوستن به سازمان تجارت جهانی و لاجرم تحت حمایت بودن بانک جهانی و برخورداری از کمکهای صندوق بین المللی پول به منظور ادغام سرمایه، همانا برسمیت شناختن تشکلهای سه جانبه (کارگر - کارفرما - دولت) در ایران از سوی سازمان جهانی کار است.

نیاز تاریخی و دائمی کارگران به امر تشکیل یابی و خود سازماندهی دهی از یک سو و شرایط فراهم آمده برای سرمایه در ایجاد نهادهای مدنی از سوی دیگر،

انعکاس خود را در جنبش کارگری در قالب دو جناح متضاد به نمایش گذاشت. جناح راست از کانال قانونی (هر چند مستقل و نه الزاماً وابسته به دولت) امر تشکیل یابی کارگری را جستجو کرد و جناح چپ رویکردش در پاسخ به نیاز تاریخی و طبقاتی کارگران بود. به این ترتیب تاریخاً و برای اولین بار، جنبش کارگری در خود دو گرایش عمده لیبرالی و سوسیالیستی به مثابه زیان دو طبقه متضاد اجتماعی را در سازماندهی تشکل کارگری در ایران رو در روی هم تجربه کرد. گسترش نهادهای همبستگی در خارج از کشور و رویکرد عملی به مبارزات کارگری در ایران خود نیز بازتابی از این فعل و انفعالات بود.

نهادهای همبستگی خارج از کشور در کنار اتحاد، همپا و در انطباق با رویدادهای کارگری داخل ایران، از جمله برگزاری مراسمهای مستقل اول ماه مه، اعتراضات و اعتصابات کارگری جهت متحقق کردن مطالبات، دستگیری و به زندان انداختن فعالین کارگری در جریان مبارزات و ضرب و شتم و به گلوله بستن صفوف کارگران معترض، به انحاء گوناگون عکس العمل نشان داده و مجامع کارگری بین المللی را به واکنش و حمایت از مبارزات جاری کارگری در ایران فراخواندند. با پیگیری این نهادها به محض دستگیری و محاکمه فعالین شناخته شده کارگری نزد مجامع بین المللی توسط رژیم جمهوری اسلامی، اتحادیه های کارگری از جمله کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و نیز اتحادیه بین المللی حمل و نقل با داشتن دهها میلیون عضو تاکنون دو بار حمایت سراسری از کارگران ایران را فراخوانده اند. با وجود این فعالیتها اما هنوز این نهادها در ظرفیت واقعی خویش ظاهر نشده اند و با اهدافی که برای خود تعریف کرده اند فاصله دارند.

به جز اتحاد، به مثابه معدود نهاد موفق و پرسابقه که بر متن رابطه نسبتاً ارگانیک با اتحادیه های بزرگ کارگری تشکیل شد و خود در وصل کردن فعالین کارگری ایران به آنها دخیل بود، اکثر نهادهای ایجاد شده در خارج از کشور نهادهای همبستگی دوره جدید هستند، قدمت تشکیلشان عمدتاً به سالهای اخیر بر میگردد و الزاماً در متن

روابط اجتماعی با نهادها و اتحادیه های کارگری محیط خویش تشکیل نشده اند. به عبارتی جمع شدنشان خود هم تابعی از شرایط محیطی در میان فعالین چپ و هم تابعی از دوری و نزدیکی به اتحادیه های کارگری در محل میباشد، با این اشارت میتوان گفت این نهادها یکدست نیستند و از ظرفیت واحدی برخوردار نیستند، اگر چه این نهادها ابتدا به ساکن خود را با منافع کارگران در ایران تعریف میکنند اما هنوز فاقد استراتژی فراگیر و بالطبع یک سازماندهی منسجم و سراسری هستند. وجود این نقایص در دراز مدت میتواند نهادها را از اهداف تبیین شده اولیه اش که همانا تقویت مبارزات کارگری به مثابه یک طبقه اجتماعی باشد، دور کرده و

پتانسیل آنها را از قالب تهی کند این نهادها به مثابه ظرف فعالیت عملی در تقویت مبارزات کارگری و حمایت از مطالبات آنها، میتوانند مکانی باشند که در آن آرا و نظرات چپ کارگری در خارج از کشور در یک استراتژی واحد مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری، پشت جبهه ای قابل اتکا برای طبقه کارگر در ایران باشد که آن خود معلول عواملی چند و قبل از همه تفوق گرایش چپ کارگری و انسجام نظری آن در داخل ایران خواهد بود. نهادهای همبستگی در صورت سوخت و ساز دموکراتیک در درون خود، دفاع بدون قید و شرط از جنبش کارگری، سازماندهی اکسیونهای سراسری علیه رژیم جمهوری اسلامی و بر مبنای منافع کارگران در ایران، جلب هر چه بیشتر اتحادیه ها و نهادهای بین المللی کارگری در پشتیبانی از آنان و بالاخره بر مبنای همبستگی بین المللی و ارتباط ارگانیک مابین طبقه کارگر ایران با طبقه کارگر جهانی، خود پشوانه ای ارزنده برای تحقق آمال و اهداف کارگران ایران در انقلاب آتی خواهند بود. این آن حلقه ضروری است که در کوتاه و دراز مدت مبنایست ملاک فعالیت این نهادها و مشغله هر فعال سوسیالیست در آنها باشد.

نوامبر ۲۰۰۷

احکام بیدادگاه سقر علیه فعالان کارگری لغو باید گردند!

انقلاب اکتبر انقلابی که مهر خود را به سرنوشت کل جهان معاصر کوید

رهبری طبقه کارگر، دورانی بسوی یک زندگی نوین بشری و خلاصی انسان از استثمار و بهره کشی، دورانی بسوی دیکتاتوری پرولتاریا، خلاصی بشریت از یوغ جنگهای امپریالیستی و تقسیم دوباره جهان بین امپریالیستها گام برداشت. انقلابی که هر آنچه را بورژوازی برای تحمیل و تغییر بشریت به ارمغان آورده بود نه تنها زیر سوال برد و افشاء نمود بلکه با یک مبارزه طبقاتی پیگیر و نفی " احترام به مالکیت خصوصی " سعی نمود برابری و حق شهروندی را بین تمام اقشار و انسانهای تحت ستم روسیه برقرار نماید. سعی در حل مسیله مذهب، بی حقوقی زنان، ستمگری به ملیتهای مختلف و نابرابری حقوقی و حق ملل در تعیین سرنوشت خود را نمود.

یکی از ویژگیهای مهم انقلاب اکتبر و مبارزه بلشویکها در سال ۱۹۱۷ مقابله با جنگهای امپریالیستی و قطع منافع امپریالیستها در روسیه بود. وقوع انقلاب اکتبر درست همزمان بود با اولین جنگ جهانی اول جنگی که سرمایه داران جهانی برای تقسیم دوباره جهان و حفظ منافع خویش میلیونها نفر را به کشتن دادند و صدها شهر و روستا را به خاک و خون کشیدند. برای اولین بار در تاریخ بشری طبقه کارگر روسیه با متحد شدن با اقشار زحمتکش جامعه تحت رهبری بلشویکها و حزب بلشویکی به جنگ و مقابله با سرمایه داران بسیج شد و شعار این را سر داد که این جنگ بین سرمایه داران که هدفشان تقسیم دوباره جهان و غنایم آن است. و برای کارگران و زحمتکشان نتیجه ای بجز کشتار و ویرانی و بی خانمانی در بر نخواهد داشت و به تمام طبقه کارگر جهان آشکارا اعلام نمود. این جنگ سرمایه داران برای سود آوری هر چه بیشتر آنها است و تنها با قدرت اتحاد و همبستگی طبقاتی طبقه کارگر روسیه و کارگران جهان می توان آن را متوقف نمود. این شعار طبقاتی قطع جنگ که در انظار بسیاری از توده های کارگر و زحمتکش آن موقع مبهم بود به برنامه سیاسی روشنی تبدیل شد. برنامه ای که مبارزه موثر و پیگیر میلیونها ستمکش تحت رهبری پرولتاریا را در بر داشت که به نخستین پیروزی پرولتاریا، و به نخستین پیروزی

در امر توقف جنگهای امپریالیستی و محور آنها منجر شد.

این اتحاد و همبستگی بین کارگران جهان بقدری قدرت مند بود که قادر شد بر علیه بورژوازی کشورهای مختلف که هم صلح و هم جنگش بحساب کارگران وزحمتکشان بود میل گردد.

فقط و فقط انقلاب اکتبر بود که پس از صدها سال برای نخستین بار قادر به "پاسخ دادن" به جنگ بین استثمار شدگان و استثمار کنندگان شد.

انقلاب اکتبر یگانه سلاحی که برای بسیج توده های کارگر و مردم بر علیه جنگ امپریالیستی بکار برد. سعی در تقویت و متشکل نمودن توده های مردم از پایین و افشاء نمودن هر چه بیشتر ماهیت جنگ نمود. که باعث شد بطور سریع تعداد زیادی از افراد را در زندگی سیاسی اشان فعال و مستقل نماید. قدرت متشکل شدن توده های کارگر و زحمتکش بقدری سریع بود که میلیونها افرادی که از لحاظ سیاسی در بی خبری بسر می بردند به صحنه سیاست قدم گذاشتند.

بلشویکها به رهبری لنین بدرستی جنبه اجتماعی و سیاسی جنگ و شاخصهای آن را برای توده های مردم توضیح داده و روشن نمودند. آنها بدرستی عاملان جنگ را طبقه ای نامیدند که برای حفظ سرمایه اش جنگ می راند، با سیاستهایش به جنگ ادامه میدهد، با برجسته نمودن این مسیله که این سرمایه و بورژوازی جهانی است که با در دست داشتن تمام امکانات و قبضه کردن نیروی اقتصادی بر جامعه حکمفرمای می کند. و ماهیت واقعی جنبه امپریالیستی سرمایه بین المللی و بانکی و دیپلوماسی روسیه و انگلستان و فرانسه و آمریکا را برای توده های کارگر و مردم توضیح دادند. و تاکید نمودند بدون بر انداختن قدرت سرمایه و انتقال قدرت به طبقه کارگر نمی توان از این جنگهای امپریالیستی رهایی پیدا نمود و به یک صلح واقعی و غیر تحمیلی نایل آمد.

طبقه کارگر روسیه با در داشتن قدرت شوراها برای قطع جنگ مبارزه و تلاش نمود. و به علت ذینفع نبودن در جنگ بطور مصمم و استوار توانست آنچنان سیاستی را به اجراء در آورد که هم به جنگ خانمانسوز پایان دهد و هم صلح برقرار شود. فقط در آنصورت کارگران و زحمتکشان توانستند جلو سرمایه داران که پولهای هنگفتی " از قبال جنگ " بچنگ آورده ایستاده و ضمن متوقف کردن آنها کشور را از ویرانی و قحطی هر چه بیشتر نجات دهند.

این روشن است که قدرت سیاسی در ۱۹۱۷ به دست کارگران افتاد، طبقه کارگر جنگید و آن را حفظ کرد اما درست آنجا که این قدرت می بایست کاربست تاریخی واقعی خود، یعنی زیرو رو کردن بساط مالکیت بورژوازی و کار مزدی، را پیدا کند، طبقه کارگر از پیشروی باز ماند، زیرا این قدرت برای چنین سیاستی بکار گرفته نشد. و ادامه آن به برقراری سرمایه داری دولتی منجر شد.

اکنون که چند دهه از انقلاب اکتبر می گذرد، و با فروپاشی شوروی و گسترش بدون مقاومت بازار واحد جهانی (گلوبالیزاسیون)، آمریکا با شکل دادن به مناسبات بین المللی برای حفظ منافع اش از طریق اعمال زور و کشور گشایی نظامی تلاش نمود هژمونیش را چه بر دولتهای بزرگ سرمایه داری و چه بر رژیمهای مختلف سرمایه داری در " جهان سوم " تحمیل کند. بعنوان نمونه مشخص می توان لشکر کشی آمریکا به خاورمیانه و همچنین حمله نظامی اش به عراق و هدفی که آمریکا از این جنگ خانمانسوز تعقیب می کند را نام برد.

در پایه ترین سطح، هدف سیاست جنگی آمریکا، ایجاد نفوذ در نقاط پر اهمیت جهان و تثبیت هژمونی آمریکا بر رقیبان امپریالیست، در سطح جهانی است و مخالفت بعضی قدرتهای امپریالیستی با سیاست جنگی نسبت به حمله نظامی به عراق، جلوه ای از همین تناقضات بین امپریالیستها و نشانه رقابت بر سر تقسیم مجدد جهان است.

حضور نیروهای امپریالیستی در منطقه دو هدف را دنبال می کند. اولاً دامن زدن هر چه بیشتر به جنگ دوماً تقویت حکومتهای اسلامی مرتجع منطقه در رابطه با سرکوب هر حرکت انقلابی و تشکل توده ای طبقه کارگر می باشد. گرچه بر خلاف ادعاهای پوچ و تو خالی اشان سعی در برقراری دمکراسی در عراق و منطقه را دارند نتیجه این دمکراسی بجز کشتار و قتل عام مردم عراق در ابعاد وسیع و بی خانمانی میلیونها توده کارگر و زحمتکش در طول بیشتر از پنج سال و سبعیت آمریکا چیزی دیگری را به نمایش نگذاشته است. امروز امپریالیستها و بخصوص امپریالیست آمریکا در مقابل حل مسیله عراق به بن بست کامل برخورد کرده اند. و برای برون رفت از این بن بست جدیداً بوش (رییس جمهور آمریکا) زمزمه و تهدید جنگ جهانی سوم را سر داده است. این شعار چقدر عملی باشد یا نه؟ بسته به تضادهای میان قدرتهای امپریالیستی و وقوع یک بحران

انقلاب اکتبر انقلابی که مهر خود را به سرنوشت کل جهان معاصر کوبید

فراگیر اقتصادی است که رقابت میان سرمایه‌های مختلف را تبدیل به مبارزه مرگ و زندگی می‌کند. و همین رقابت مرگبار کاپیتالیستی است که می‌تواند با افروختن آتش جنگ، هستی میلیون‌ها انسان را در معرض نابودی قرار دهد. فقط با بسیج نیروهای اجتماعی، و متشکل شدن طبقه کارگر جهانی می‌توان امپریالیستها را به عقب راند.

با رجوع به انقلاب اکتبر و دستاوردهای آن تنها یک طبقه کارگر متشکل با سلاح قوی حزب طبقاتی می‌تواند به مقابله و جنگ این جنگهای منطقه‌ای و امپریالیستی برود و از وقوع جنگ جهانی سوم جلوگیری نماید.

با توجه به دیدگاه‌هایی انتزاعی که امروزه در مورد حل مسئله مذهب و زنان وجود دارد. لازم دیدم به این دو مهم از دیدگاه پرولتاریا و انقلاب پرولتری اکتبر که آن زمان بوقوع پیوست اشاره‌ای نمایم. زمانی که انقلاب اکتبر بوقوع پیوست و طبقه کارگر قدرت سیاسی را بدست گرفت، به علت بافت جامعه نیمه فیودالی-سرمایه داری روسیه مردم از عقب ماندگی و خرافات زیادی برخوردار بودند. بلشویکها و پرولتاریای روسیه با مسئله مذهب مثل هر پدیده دیگر بورژوازی که در تحمیق و فرودستی توده‌ها نقش بسزایی دارند برخورد نموده و بدرستی عنوان کردند که تمام ادیان و کلیساها و تشکیلات مذهبی به عنوان ارگانهای ارتجاع بورژوازی که هدفشان استثمار هر چه بیشتر طبقه کارگر و زحمتکشان میباشد در تحمیق توده‌ها نقش بسزایی دارند. امری که انقلاب اکتبر در افشاء نمودن مذهب و نقش مخرب آن در زندگی توده‌های مردم ایفاء نمود، این بود که مبارزه علیه مذهب را در سطح تبلیغات انتزاعی-ایدئولوژیک منحصر و محدود ننمود بلکه ثابت نمود فقط با پراتیک مشخص جنبش طبقاتی‌ای که هدف آن از بین بردن ریشه‌های مذهب باشد می‌توان این امر را پیش برد. و بلشویکها معتقد بودند فقط مبارزه طبقاتی توده‌های کارگر که وسیع‌ترین افشار پرولتاریا را به طور همه جانبه‌ای به پراتیک انقلابی و آگاهانه اجتماعی می‌کشاند، قادر خواهد بود که توده‌های تحت

ستم را واقعاً از انقیاد مذهب رها نماید.

انقلاب اکتبر بعنوان اولین انقلاب پرولتری دنیا ثابت نمود که هر تبلیغ آنتیسم یعنی از بین بردن اعتقادات مذهبی افشاری از پرولتاریا و توده‌های مردم، بدون به انجام رساندن بر پایه مبارزه طبقاتی یک طرز تفکر غیر دیالکتیکی خواهد بود. یک ماتریالیست دیالکتیک مبارزه علیه مذهب را انتزاعی و بر اساس یک تبلیغ صرفاً تئوریک که همواره یکسان باشد انجام نمی‌دهد بلکه بر اساس مبارزه طبقاتی و آنطوریکه در عالم واقعیت انجام میگیرد توده‌ها را آموزش و تعلیم می‌دهد. و با این تبلیغ و ترویج و بمیدان کشاندن توده‌های کارگران به مبارزه طبقاتی که وسیع‌ترین قشر پرولتاریا را تشکیل می‌دادند بطور همه جانبه‌ای رهنمود دادن آنها به پراتیک انقلابی و آگاهانه اجتماعی قادر بودند که توده‌های تحت ستم را از یوغ مذهب نجات دهند.

یکی دیگر از معضلات اجتماعی که انقلاب پرولتری اکتبر توانست به آن پاسخ دهد و در حل آن قدم بردارد مسئله زنان بود. بلشویکها به رهبری لنین این معضل را نه تنها بطور انتزاعی بررسی نکرده بلکه راهی و برابری کامل زنان را ریشه در مبارزه طبقاتی و پیروزی طبقه کارگر دانستند.

انقلاب اکتبر با ارائه دادن راه حل پرولتری راهی واقعی زنان را بدون کمونیزم غیر ممکن دانست. بلشویکها حل مسائل زنان را به مبارزه طبقاتی پرولتاریا و انقلاب پیوند دادند، و ثابت نمودند مبارزه توده‌ای برای حقوق سیاسی زنان، بطور قطع یک نمود و بخشی از مبارزه عمومی پرولتاریا برای راهی کل بشریت است.

مبارزه طبقاتی پرولتاریا، افق‌های زنان را وسعت بخشید، اذهان آنها را باز و فکشان را تکامل بخشید، و به آنها در رسیدن چگونگی به اهدافشان کمک نمود. بعنوان مثال تا قبل از انقلاب اکتبر، زنان پرولتر و غیر پرولتر توسط حق رای مردان حمایت می‌شدند؛ حقی که آنها در واقع به نحوی غیر مستقیم در آن نقش داشتند. اما انقلاب اکتبر با رهبری بلشویکها و پیش رفت مقاومت ناپذیر مبارزه‌ی طبقه کارگر، و دخیل کردن جنبش توده‌ای زنان حق زنان کارگر را به عرصه کشمکش در حیات سیاسی ارتقاء داد. که میلیون‌ها زن پرولتر رزم جویانه و با اعتماد به نفس برای حق رای برابر با مردان مبارزه کردند.

تأثیرات این حرکت در دنیا بقدری بود که بورژوازی غرب از ترس و واهمه تکرار این انقلاب شروع به بوجود آوردن تعدد احزاب نمود، و حق رای همگانی را برای همه شهروندان، منجمله زنان معمول کرد. انقلاب اکبر با رهبری پرولتاریا سعی نمود خواست‌های سوسیالیستی را بطور سیاسی با افکار توده‌های زنان زحمتکش، با نیازها و آرزوهای زنان کارگر، پیوند دهد. و زنان به این نتیجه رسیدند، که دیکتاتوری پرولتاریا برای آنها حق برابری کامل با مردان، هم در قانون و هم در عمل، در خانواده، در دولت و در جامعه را قابل است.

زنان روسیه در طول انقلاب پرولتری اکتبر ضمن اینکه با خواسته‌های طبقاتی خود آشنا شدند به این امر واقف شدند در جامعه‌ای که در آن انسان بر زندگی خود کنترل دارد و از خطر تهدید فقر، ناتوانی، جنگهای خانمانسوز رها شده است. زنان می‌توانند بخشی از این مبارزه باشند و قطعاً راهی آنها برای تحقق اهداف این مبارزه حیاتی است.

انقلاب بلشویکی اکتبر تجربه حاصل پراتیک یک طبقه میلیونی بود. طبقه‌ای که ضمن اعتقاد به منافع طبقاتی و راهی بخشش دست به پراتیک زد. سعی نمود نه فقط مهر خود را به جنبش کارگری، بلکه به سایر جنبش‌های اجتماعی دیگر، و همچنین به سرنوشت کل جهان معاصر بزند.

آنچه امروز بیشتر از هر زمان دیگر در دستور کمونیستها و طبقه کارگر باید در اولویت قرار گیرد. و بعنوان تجربه پراتیک باری از انقلاب اکتبر بتواند به پراتیک میلیونی توده‌های کارگر و زحمتکش میدل شود. فقط و فقط متشکل شدن طبقه کارگر در تشکلهای توده‌ای و طبقاتی‌اشان است. گرچه این مهم و امر آغاز شده و بخش وسیعی از گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر ایران در حال مبارزه طبقاتی خستگی ناپذیری می‌باشد. اما متشکل شدن طبقه کارگر در حزب طبقاتی‌اش نیاز به تلاش مبرم و عاجل تمام پیشروان طبقه کارگر و کمونیستها را دارد. تشکلهای توده‌ای-طبقاتی کارگران تنها ضامن مقابله طبقه کارگر همراه با سایر متحدینش از جمله توده‌های زحمتکش مردم و سایر جنبشهای اجتماعی بر علیه بورژوازی بوده و می‌تواند متضمن پی ریزی پایه‌های انقلاب اکتبر دیگری باشد.

از میان خبرها

ایران - در هفته های اخیر جنبش کارگری ایران شاهد دو رویداد مهم بود یکی اعتصاب پیگیر کارگران نیشکر در هفت تپه بود و دیگری ترور یک فعال کارگری توسط افراد نقابدار در شهر سنندج بود.

هزاران نفر از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در خوزستان پس از چندین بار اعتراض و اعتصاب در نیمه اول مهر ماه اعتصاب طولانی در حدود دو هفته را سازمان دادند و طی آن هم به بخشی از مطالبات خویش که باز پرداخت دستمزدهای معوقه بود دست یافتند و هم فراتر از آن لیستی از مطالباتشان را، که مطالبه کلیه بخشهای کارگری در ایران است، تنظیم و به پرچم مبارزاتی خویش تبدیل کردند در این لیست دو خواست گری به چشم میخورد یکی حق ایحاد تشکل و دیگری لغو قراردادهای موقت.

در جریان اعتصاب، به مصداق تجربه تاریخی مبارزات کارگری، کارگران نیشکر راههای عملی چندی را آزمودند و در آنها آموختند: نامه به اتحادیههای کارگری و مجامع بین المللی، اطلاع رسانی، اعلام صریح خواستها و مطالبات و خنثی کردن توطئه و سرکوب دولت سرمایه و مدیریت تجربه کارگران نیشکر نشان داد که با اتحاد و یکپارچگی هم میتوان سیاستهای تفرقه را خنثی کرد و هم نماینده های برگزیده خود را حمایت کرد. در جریان سرکوب و ضرب و شتم کارگران همچون دیگر بخشهای کارگری در ایران رژیم اسلامی به دستگیری، بازداشت و شکنجه فعالین کارگری دست زد و آخر سر قرار مالی و وثیقه برایشان صادر کرد. تحت فشار قرار دادن فعالین و جدا کردن آنها از توده کارگر شیوه مرسوم رژیم برای جلوگیری از اجتماعی شدن مبارزات بر حق کارگری است. این بار هم مبارزات و اعتصابات کارگری در نیشکر این نکته اساسی را خاطر نشان کرد که با وجود حمایتهای دیگر بخشهای کارگری ایجاد نهاد، یا تشکل طبقاتی و سراسری هم چنان یک نیاز حیاتی است. این نهاد است که هم صفوف کارگران را فشرده می کند هم آنها را به مثابه طبقه ای اجتماعی دربر آورده کردن نیازهای جامعه تثبیت می نماید.

دومین رویداد اخیر در جنبش کارگری اقدام به ترور مجید حمیدی از فعالین کارگری در شهر سنندج بوسیله سه مرد نقابدار بود که در جریان آن چند گلوله به مجید اصابت کرد و او را بشدت مجروح نمود. ترور فعالین به هر دلیلی که باشد

یک هدف مشخص را در بردارد، ترور امثال مجید ترور یک فرد نیست، ترور کارگرانی است که برای احقاق حقوق پایمال شده انسانی خود فعالیت میکنند؛ ترور مجید ابزاری برای ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران است تا آنها دست از مبارزه و مطالبات خویش بردارند. ترور مجید اقدامی فردی و اتفاقی نیست، یک نقشه عمل هدفمند است و سازمانده آن کسی به جز رژیم اسلامی سرمایه نیست. نزدیک به سه دهه است که تابوت رژیم اسلامی سرمایه برای این که به گور سپرده نشود بر گرده کارگران و مزد بگیران جامعه سنگینی می کند. قبلا در شرایطی دیگر فعالین کارگری بی نام و نشان سر به نیست میشدند، امروز در اوضاعی متفاوت از گذشته شیوه دیگری را بکار می رود و آن هم ترور کور نماینده های مجامع کارگری است. کارگران با هشیاری و پشتیبانی از نماینده های خویش و در جریان مبارزات خویش متحد و یکپارچه میتوانند نه تنها توطئه های رژیم سرکوب و ترور را خنثی کنند بلکه با متشکل شدن و اعلام آشکار مطالبات طبقاتی خویش هم تابوت را به گور بسپارند و هم سازنده گانش رال ب گور بنشانند. مجید حمیدی در نامه ای ضمن قدردانی از همه آنانی که نگران حالش بودند از کارگران خواست صفوف خود را علیه سرمایه فشرده تر کنند.

ترکیه - دولت جدید ترکیه قرار است که با سیاستهای اسلامی - لیبرالی سرمایه داری ترکیه را در بازار جهانی ادغام کند. به این جهت پیش نویس قانونی را بر مبنای اصلاحاتی در قانون اساسی کنونی، قانونی که بعد از کودتای نظامی ۱۹۸۰ بر کشور حاکم شد، در دست تهیه دارد. اخیرا مخالفتهایی از سوی تشکلهای زنان به بندی از پیش نویس ارائه شده صورت گرفت. در بند مذکور از زنان به عنوان یک گروه آسیب پذیر نام برده شده که نیازمند حمایت هستند. همانطور که قابل پیش بینی بود از سیاستهای باصطلاح دموکراتیزاسیون در کشورهای در حال توسعه منجمله ترکیه بیش از این انتظار نمی رفت و خبری از آزادی و برابری شهروندان از جمله زنان در آن نیست.

در خبرهای دیگر مربوط به ترکیه که انعکاس جهانی داشت ورود نیروی نظامی ترکیه با تمام تجهیزات و نیرویی بالغ بر یکصد و بیست هزار نفر به خاک کردستان عراق بود. با وجود دستگیری اوجلان و وادار کردن بخشی از پ ک ک در تعقیب حقوق ملی از راههای قانونی و مسالمت

آمیزو توسط نماینده گان پارلمانی، دولت ترکیه (و این بار دولت جدید) کماکان با این مشکل روبرو است و حل آن را هم چنان از راههای نظامی تعقیب میکند. دولت ترکیه با جلب موافقت پارلمان به قصد "رفع غائله" پ ک ک در کردستان عراق توجه دولتهای منطقه و امریکا را به خود جلب کرد. امریکا با وجود مخالفت با اقدامات نظامی پ ک ک و حتی جای دادن آن در لیست گروههای تروریست با اعزام نیروهای ترکیه به خاک عراق، برای احتراز از ایجاد تحریک در این منطقه بحرانی، مخالفت کرد؛ و نتیجه آن کنفرانسی در استانبول بود تا مسئله در هماهنگی با کشورهای منطقه حل و فصل شود. و این در حالی بود که به نظر میرسد هم امریکا که در نقش هماهنگ کننده در منطقه ظاهر می شد و هم ترکیه که نقش سیاسی ترتیب دهنده کنفرانس را به عهده گرفته بود به تشکیل آن مایل بودند.

تا جائیکه به سیاست نظامی برای به کرسی نشاندن حتی مینیمی از مطالبات پ ک ک بر میگردد میتوان قطعا گفت همین تجربه کردستان عراق نشان داد که سرنوشت این سیاست نمی تواند در دست آنها قرار گیرد؛ تازه در لیست تروریستی امریکا هم بودن سرنوشتی بهتر از سازمان مجاهدین نصیب آنها نخواهد کرد. رهبران امریکا گفته اند که "یا ما یا برای ؟ ما"، راه سومی در کار نیست.

فرانسه - درباره اعتصابات اخیر

دور تازه ای از رویارویی کارگران و کارمندان بخش های مختلف خدمات عمومی بویژه ترانسپورت با دولت، برای دفاع از دستاوردهای تاکنونی در مقابل تهاجم موج خشونت بار سیاستهای نئولیبرالی در فرانسه، از روز چهارده نوامبر آغاز گردید. این دور را کارکنان راه آهن سراسری همراه با ترانسپورت شهری پاریس، که دوهفته پیش از آن نیز به اعتراضات مشابه دست زده بودند، در کنار کارکنان برق و گاز که مشمول این رفرم می شوند، آغاز کردند. و اعتصابی که برای یک روز اعلام شده بود به اراده مجامع عمومی ده روز به درازا کشید. کارکنان دولت از پست، تلفن، پرسنل آموزشی و درمانی نیز برای افزایش حقوق و در اعتراض به حذف شغل در روز بیست نوامبر به اعتصاب و تظاهرات گسترده دست زدند. و این در حالی ست که بخشی از دانشجویان از اوائل نوامبر اعتراض

از میان خبرها

به قانون جدیدی که پای سرمایه های خصوصی را بروی دانشگاهها باز می کند، موجب بالا رفتن شهریه ها و اصل گزینش دانشجو می گردد، آغاز کرده اند و بخشی از دانش آموزان دبیرستان هاهم به این حرکت پیوسته اند.

در قلب این اعتراضات همان اعتصاب ترانسپورت عمومی قرار دارد. اکنون هم پس از اینکه مجامع عمومی در اکثریت خود به از سرگیری کار رای دادند، برای بسیاری از آنها این از سرگیری به معنای پایان بحران نیست و تنها تعلیق اعتصاب به شمار می رود. از هم اکنون، «سود»، یکی از اتحادیه های فعال در اعتصاب (دومین سندیکای کارگران راه آهن پس از ث ژ ت) آمادگی خود را برای از سرگیری اعتصاب، در صورتی که شرایط ایجاب کند، در ماه دسامبر اعلام کرده است.

امر محوری اعتصابات در ترانسپورت، برق و گاز دفاع از دستاوردهای مربوط به بازنشستگی در بخشهایی است که به رژیم های ویژه معروفند، و به دلیل ویژگی کار آنها (سختی کار یا اجبار به کار در زمان کار نامنظم، پایان هفته، تعطیلات، شبکاری و نیز پائین بودن سطح حقوق ها) سن انتقال به بازنشستگی پائین تر از سایر بخشهاست، و در آن ها سنوات کار برای استفاده از بازنشستگی کامل سی و هفت سال و نیم باقی مانده است (در بخش خصوصی چهارده سال پیش و در بخش دولتی چهار سال است که به چهل ساعت رسیده). این مقدمه حمله ای ست که قرار است از آغاز سال دو هزار و هشتاد و هشت در بخش های خصوصی و دولتی سنوات بازنشستگی را باز هم بالا تر برده و به چهل و یک سال برساند (و بعد نیز به چهل و دو سال برای همه ارتقا دهد، و حداقل سن برای استفاده از حق بازنشستگی را باز هم بالا تر برد) و با کاهش فزاینده مستمری بازنشستگی، به نسبتی که این سنوات کامل نباشند، در واقع بیمه بازنشستگی عمومی را بندریج با سیستم بازنشستگی خصوصی جایگزین کند، و در خلال این جایگزینی بخشی از کارگران را از شدت کار به هلاکت رساند یا آنها را از کار بیکار شده و مدتها در بیکاری

مانده اند و در نتیجه هرگز به سنوات کار مورد نیاز نمی رسند با چند غازی که به هیچ جای زندگی نمی رسد تا دم مرگ در فقر و گرسنگی نگاه دارد.

با اعتصاب یک روزه کارکنان دولت مسئله سطح حقوق ها در شرایطی که قیمت مواد اولیه مصرفی و اجاره خانه از صعود باز نمی ایستد از یکسو، و معضل حذف شغل در خدمات عمومی که کیفیت این خدمات را در بیمارستانها، مدارس، دفاتر پست بنحو چشم گیری کاهش می دهد، شرایط کار پرسنل آنرا به عقب باز می گرداند و در دوران بیکاری توده ای بر شمار بیکاران می افزاید، از سوی دیگر نیز به میدان مبارزه آمدند.

دولت راست با این حمله همه جانبه هم تامین هدیه مالیاتی اش به دارندگان ثروت و مالکان بزرگ و کوچک به حساب کارگران و حقوق بگیران، بیکاران، بازنشستگان را هدف دارد، و هم آسوده خاطر کردن مشتریان انتخاباتی خود، که شامل همین دسته و بخش بزرگی از طبقه متوسط می شود، در نمایندگی از منافع و باورهای آنان. و بالاخره این دولت کلاسیک سرمایه دار مانند همیشه می کوشد در میان کارگران تفرقه بیندازد، آنها را یکی بعد از دیگری مورد حمله قرار دهد و قربانیان امروز را در برابر قربانیان دیروز "صاحب امتیاز" جلوه دهد، و به نام برابری همه حقوق بگیران در امر بارنشستگی حساب خود را با هر دستاوردی که از جنبش کارگری برجای مانده است یکسره کند.

اکنون پس از پایان اعتصاب کارکنان ترانسپورت عمومی نمی توان از پیروزی یا شکست آن حرف زد. اعتصاب کارگران ترانسپورت به مطالبه اصلی خود، که حفظ دستاوردهای آن بود دست نیافت، در عین این که دولت هم نتوانست آن را در هم بشکند. اعتصابیون کار را از سر گرفته اند در حالی که با آمادگی و هشیاری در انتظار نتایج مذاکرات که یکماه به طول خواهد کشید می مانند. مذاکراتی که نه به شکل سراسری (آن چنان که خواست اولیه اعتصاب و بخش رادیکال تر جنبش بود) بلکه در هر بنگاه جداگانه میان سندیکاها و مدیریت با حضور نمایندگان دولت (که ابتدا از شرکت در این مذاکرات سر باز می زد و آنرا امر نمایندگان سندیکاها و بنگاه ها می دانست) جریان دارد. از سوی دیگر شرط و شروط دولت برای آغاز

مذاکره "اول پایان اعتصاب و بعد مذاکره"، نتیجه ای جز این نداشت که اراده اعتصابگران را محکم تر کند، بعضی از رهبران سندیکاها را مجبور به پذیرش ادامه اعتصاب نماید، و خراشی بر سیاست دولت که مجبور شد مذاکره را در شرایط اعتصابی بپذیرد بیندازد؛ هر چند که دولت اعلام کرده در هر صورتی اصل بالابردن سنوات بازنشستگی و کاهش تصاعدی مستمری بازنشستگی در صورت نداشتن سنوات کامل قابل مذاکره نیست. به هر رو، مهم ترین دستاورد اعتصاب این بود که نشان داد عمل رادیکال مبارزاتی دسته جمعی در دشوار ترین شرایط نیز ممکن است.

در این اعتصاب نیز سیاست های متقابل و متفاوت در قبال مطالبات، مذاکرات و ادامه اعتصاب با یکدیگر به جدل پرداختند. سیاست رهبری ث ژ ت، که مورد انتقاد بخش رادیکال آن است، بر این قرار دارد که در مذاکرات، دیگر رد سنوات چهل ساله بازنشستگی را یک پیش شرط نماند و بر سر مجموعه عناصری که حق بازنشستگی را می سازند، و در اولین مقام بر آن چه که به حفظ قدرت خرید مستمری بازنشستگی و پاداش های ترمیم کننده مربوط می شود متمرکز کند (این رفرم به کاهش بیست در صد از مستمری بازنشستگان در آینده منجر می شود). در حالی که برای بخش رادیکال اعتصابگران و سندیکای دیگر «سود» باید بازگشت به سی و هفت سال و نیم برای همگان در هر بخش از فعالیت اقتصادی را به محور مبارزه مبدل نمود.

رهبری ث ژ ت استدلال می کرد که در این موقعیت باید وحدت پرسنل را مد نظر داشت، و منطبق ترین اشکال عمل با شرایط موجود را، با این هدف که بیشترین تعداد را متحد کند، اتخاذ کرد؛ که کارکنان ترانسپورت نباید از باقی کارگران ایزوله شوند؛ که "سیاسی کاری" در این جنبش (اجتماعی و اتحادیه ای) مردود است؛ و به شکلی غیر مستقیم در اوائل اعتصاب خواهان پایان آن، که از دید او می رفت به اعتصاب اقلیت مبدل شود، بود. در حالی که پایه رادیکال این اعتصاب خواهان ادامه آن بود، و با رای مجامع عمومی به آن نیز موفق گردید. در میان بخشی از این پایه رادیکال این واقعیت که مبارزه جوئی کارکنان چند بخش، هر قدر هم که مصمم

بقیه در صفحه ۸

“خانه کارگر” و “شوراهای اسلامی” منحل باید گردند!

شوند.

بقیه از صفحه ۷

از میان خبرها

قادر به پس راندن حریف نیست، و این که نمی توان تنها با یک فراخوان سندیکائی مبارزه ای را دامن زد که کارکنان دولتی و خصوصی را به خود جلب کند، روشن است؛ اما بحث و اختلاف بر سر چگونگی تحقق این امر و داشتن استراتژی و برنامه عمل سراسری برای آن متمرکز است. و اکنون در حاشیه این جدل ها و در دایره ای خارج از سندیکاها این بحث که نبردهای اجتماعی نیاز به دورنمای سیاسی و مجراهای وسیع تر از عمل اتحادیه ای و صنفی دارند، دوباره باز شده است.

گفتنی ست که دوازده سال پیش کارکنان ترانسپورت عمومی توانستند طی سه هفته اعتصاب کامل و با پشتیبانی قاطع سایر کارکنان (و افکار عمومی) دولت را در اجرای طرح مشابهی به زانو در آورند و سرانجام اقدام بعدی برای اجرای آن را دوازده سال به تعویق بیندازند.

نوامبر ۲۰۰۷

از سایت

اتحاد سوسیالیستی کارگری

دیدن کنید

www.wsu-iran.org

آدرس تماس مستقیم

با

اتحاد سوسیالیستی کارگری

wsu@home.se

امروز کارگران نیشکر هفت تپه که حقوقشان پرداخت نمی شود و تحت فشار ، ستم و فقر قرار می گیرند ، و فردا نوبت ما خواهد بود.

امروز کارگران نیشکر هفت تپه جانانه مبارزه می کنند و از زندگیشان برای زنده ماندن هزینه می کنند. امروز وظیفه تمامی کارگران است که به هر شکل ممکن از هم سرنوشتان خود حمایت کنند، تا در بستر حمایت های همه جانبه ی جنبش کارگری مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه به نتیجه مطلوب برسند. فردا طبقه کارگر قویتری داشته باشیم.

ما ضمن حمایت همه جانبه از کارگران مبارز هفت تپه از کارگران ،آزادخواهان و مردم می خواهیم در حمایت از همسرنوشتان خود یک صدا و متحد شویم.

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری

۱۴/۷/۱۳۸۶

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری"

"انجمن فرهنگی ، حمایتی کارگران"

"کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری"

" اتحاد کمیته های کارگری "

"جمعی از فعالین کارگری"

"گروهی از دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب دانشگاه های ایران"

"کمیته دفاع از محمود صالحی"

از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه متحدانه حمایت کنیم!

بدنبال سیاست های دلالی دولت و سرمایه داران، خصوصی سازی و واردات بی رویه شکر، شرکت نیشکر هفت تپه در آستانه ورشکستگی قرار دارد.

بیش از یک سال است کارگران نیشکر هفت تپه نسبت به عدم پرداخت حقوق و حيله های کارفرما برای بحران سازی ، به تعطیلی کشاندن و خصوصی سازی مجتمع فوق دست به تحصن ، تجمع ، راه پیمایی و اعتصابات متعددی زده اند.

کارگران طی هفته های اخیر بدنبال عدم انجام تعهدات و وعده های داده شده از طرف کارفرما و دولت و عدم پرداخت حقوق های معوقه اعتراضات خود را بشدت افزایش داده اند. به طوری که در کارخانه و شهر در جدال و کشمکش مستمر هرروزه بسر می برند.

عوامل سرمایه داری(دولتی) در حمایت از امنیت سرمایه ، امنیت شغلی و جانی کارگران را نادیده می گیرند. نیروهای انتظامی ، امنیتی و نهادهای دولتی بطور مستمر کارگران را مورد ضرب و شتم قرار داده هر روز تعدادی را دستگیر کرده زندانی می کنند. و کارگران همچنان هر روز با قدرت و مقاومت بیشتری مبارزه می کنند.

در مدت ۱۵ ماه گذشته هر باری که کارگران هفت تپه دست به تحصن یا اعتصاب زده اند مقامات دولتی یا استانی طی مذاکراتی با کارگران وعده وعید های داده اند که هیچ کدام تا به امروز عملی نشده است .

کارگران ، تشکل ها و فعالین کارگری!!!

امروز کارگران نیشکر هفت تپه مورد ضرب و شتم قرار گرفته زندانی می

فعالان کارگری زندانی آزاد باید گردند!

در این بن بست

سه حزب کمونیست کارگری در انتهای راه

رضا مقدم



Reza Moghadam

First Persian Edition, 2007
ISBN: 91- 88 950- 07 -7

Worker Today Publication
www.workertoday.com

برای تهیه کتاب از آدرسهای زیر استفاده کنید

wsu@home.se

۰۰۴۶۷۰۸۱۸۴۷۹۳

قیمت ۸ یورو

Iban SE06 6000 0000 0002 9034
4131
Swift HANDSESS

Handelsbanken
6768-290 344 131

محمود صالحی فراموش شدنی نیست

در این سالها تفریح وایام شادی من و برانرم یا ملاقاتهای چند دقیقه ای بوده و یا زمانی بوده است که از سلامتی محمود صالحی (پدرمان) مطلع شده ایم.

همیشه با دلداریهای مادرمان این زن مبارز به آینده امیدوار شده ایم و دوری از پدر برایمان قابل تحملتر شده است. مادری که مدت زیادی از زندگی مشترکش را صرف تلاش برای آزادی و کسب خبر از وضعیت شریک زندگی اش و پدر فرزندان در زندان شده است!

ما، فرزندان، محمود صالحی درک کرده ایم که چرا پدرمان زندانی شده است! همراه با میلیونها نفر از کارگران جهان که همبستگی خود را با ایشان اعلام کرده اند به وجودش افتخار و برایش آرزوی موفقیت می کنیم!

ما خوب میدانم پدرمان تنها متعلق به اعضای خانواده اش نیست بلکه متعلق به همگی کسانی است که برای حق انکارناپذیر کارگران مبارزه می کنند!

با این وجود ما نگران شرایط دردناکی هستیم که پدرمان در آن بسر می برد. محمود صالحی تا به حال نزدیک به هفت سال زندانی شده است و این سلامتی ایشان را به شدت به خطر انداخته است. حالا از درد تنها کلیه اش، پروستات و نارسائی شدید قلبی رنج می برد همین باعث شده است بار دیگر از اتحادیه ها، سندیکاهای کارگری در سطح جهان و از شما، کارگران، جوانان، زنان و مردان آزادیخواه بخواهیم که محمود صالحی را فراموش نکنید! چنین کارگر مبارزی فراموش شدنی نیست! پدر ما هیچ جرمی به جز دفاع از حقوق هم طبقه ای هایش و تلاش برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری نداشته است.

ما، از شما میخواهیم بار دیگر همه با هم با تمام توان برای آزادی اش از بند تلاش کنیم!

فراخوان مشترک برای هفته کارزار حمایت

قرار گرفته است، می نمایم. ما نیروهای شرکت کننده در این کارزار یک هفته ای، تلاش می نمایم در سطح کشورها و شهرهای خود، با تدارک آکسیون ها و شب های همبستگی و مراجعه به احزاب و سازمانها و برپایی میزهای اطلاعاتی، عرصه خبر رسانی به رسانه خبری، صدای اعتراض مان بر علیه رژیم ضد کارگری ایران و دفاع از مبارزات کارگران را به گوش همگان برسانیم.

(هفته کارزار حمایت از جنبش کارگری شنبه سوم آذر تا جمعه نهم آذر ۱۳۸۶ برابر با ۲۴ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۰۷)

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

نهادهای مدافع هفته کارزار حمایت از جنبش کارگری ایران بر علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور:

- ۱ - کمیته همبستگی با کارگران ایران - استرالیا
- ۲ - کمیته حمایت از کارگران ایران - تورنتو کانادا
- ۳ - انجمن همبستگی با کارگران ایران - نروژ
- ۴ - جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی - سوئیس
- ۵ - کمیته همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه
- ۶ - کانون همبستگی با کارگران ایران - کلن
- ۷ - کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت و حومه
- ۸ - کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر
- ۹ - کمیته همبستگی با کارگران در ایران - هامبورگ
- ۱۰ - کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد - استکهلم
- ۱۱ - گروه همبستگی با جنبش کارگری - برلین
- ۱۲ - اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
- ۱۳ - کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ (سوئد)

پیام همبستگی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به کارگران حمل و نقل فرانسه

کارگران، یاران و همزمان گرمی؛

مطلع شدیم که دولت فرانسه جهت پیشبرد جهانی سازی و برای پایمال کردن حقوق بازنشستگی کارگران که طی سالها مبارزه بدست آورده اند برنامه ای را در دستور کار خود قرار داده که ناقض دست آوردهای شما می باشد، در این راستا سندیکاهای کشور فرانسه برای دفاع از حقوق کارگران اقدام به سازماندهی اعتصابی بزرگ جهت جلوگیری از یورش سرمایه داران و پایمال شدن حقوق کارگران کرده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن حمایت کامل از این حرکت شکوهمند با صدایی رسا اعلام می دارد: « شما درد مشترک کارگران جهان را فریاد می زنید». هجوم به تمام دست آوردهای کارگران تحت عنوان جهانی سازی از برنامه های اکثر دولتهای سرمایه داری است که جز فقر، فلاکت و بیکاری کارگران هیچ نتیجه ای را به دنبال نخواهد داشت. پیروزی شما در این نبرد، پیروزی همه کارگران جهان محسوب می شود. ما را در این مبارزه در کنار خود بدانید.

همانطور که مطلعید کارگران سندیکای شرکت واحد به خاطر ابتدایی ترین حقوق کارگری که در سطح جهان پذیرفته شده جهت ایجاد تشکل مستقل کارگری طی سه سال گذشته تحت شدیدترین فشارها قرار دارد و هم اکنون رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره سندیکا آقایان منصور اسالو و ابراهیم مددی بخاطر دفاع از حقوق کارگران در زندان به سر می برند و اعضای هیئت مدیره همچنان در راهروهای دادگاه انقلاب سرگردان و از کار کردن محروم می باشند.

ما پیروزی شما در این مبارزه را پیروزی همه کارگران قلمداد می کنیم و تنها راه نجاتمان را اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران و مبارزه برای رفع این بی عدالتی ها در راه رسیدن به یک زندگی در خور شان همه انسانها می دانیم.

بار دیگر حمایت خود را از اعتصاب پر قدرت شما اعلام داشته و برایتان در این مبارزه متحدانه امید موفقیت داریم. با امید به گسترش صلح، عدالت و آزادی در سراسر جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه

۲/۹/۱۳۸۶

۱۲ Nov ۲۰۰۷

سامرند صالحی
۱/۹/۱۳۸۶

به اعمال و سیاست کارگرسنیزانه بر علیه کارگران در ایران پایان دهیم!

پاسداران و دیگر نیروهای مسلح رژیم به کارگران اعتصابی و متحصن خاتون آباد و کشتار آنها بود.

کارگران در ایران از مدتها قبل چه در رژیم شاه و چه در رژیم جانی اسلامی سرمایه برای برگزاری آزادانه جشن جهانی کارگران در اول ماه مه و اینکه روز اول ماه مه یک روز آزاد باشد تلاش بی وقفه و مبارزه کرده اند. مبارزه برای سازمان دادن خود و حق متشکل شدن آزادانه برای کارگران ایران یک مبارزه پیشرونده، بی وقفه و همیشگی بوده است. این یک حق مسلم و بدون اما و اگر است که کارگران در ایران بتوانند جشن اول ماه مه را برگزار نموده، سازمانهای مستقل از کارفرمایان، دولت و آن سازمانهای دست ساز، وابسته و زیر سلطه رژیم را ایجاد کنند. باید اینکه کارگران بتوانند خود را

فراخوان مشترک برای هفته کارزار حمایت

همگان آشکار بوده است. رژیم تا به امروز فقر و فلاکت را بر جامعه کارگری و حقوق بگیران مستولی کرده است. در سطح جهانی، تهدیدات نظامی و تحریم اقتصادی کشورهای جنگ طلب سرمایه داری بسرکردگی دولت ایالات متحده آمریکا، مردم سراسر ایران بویژه تھیدستان و محرومین جامعه را در معرض خطری بسیار جدی و مهلك قرار داده است. در عین حال همین تهدیدات سرمایه داری جهانی، تبدیل به مستمسکی در دست جمهوری اسلامی برای سرکوب شدیدتر جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی گردیده است. بر همین مبنا رژیم با استفاده از بحران کنونی تلاش می کند؛ از یکسو فشارهای امپریالیستها را عامل اعتراضات داخلی و از سوی دیگر، معترضین داخلی را عوامل خارجی قلمداد کند. بی دلیل نیست که اتهامات واهی اقدام " علیه امنیت ملی " را طی ماههای اخیر بطور دائم علیه فعالین و بازداشت شدگان رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

آزادانه سازمان داده و برای رسیدن به خواسته هایشان اعتراض و اعتصاب نمایند، یک حق بی چون و چرا باشد. حق سازمان یابی و حق برگزاری متینگ و تظاهرات برای همه باید برسمیت شناخته شود.

در سالهای اخیر طبقه کارگر ایران توانسته است با بهره گیری از تجربیات و سازمانیافتگی بهتر و اعتراضات بی شمار برای رسیدن به خواست های انسانی و بر حق خود مبارزه کنند. رژیم اسلامی با حمله و خشونت و یورشهای ددمنشانه به کارگران مانند همیشه ظاهر شده است.

کارگران در ایران هیچگاه تنها نبوده و نخواهند بود.

یک پشتیبانی و مساعدت بین المللی از سوی سازمانها و اتحادیه های کارگری از مبارزات و اعتراضات کارگران در ایران و محکومیت رژیم و کارفرمایان در جریان بوده و هست.

حق آزادانه سازمان یابی و ایجاد تشکل های کارگری، حق اعتصاب، پرداخت

ایران می کوشد با ایجاد رعب و وحشت، اوج تهاجم و دستگیری و زندان در جامعه، تلاش سازمانگرایانه ی جمعی برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری - سازمانیابی زنان، دانشجویان، معلمین، فعالان ملل تحت ستم، نویسندگان و سایر مدافعین حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اخلال ایجاد کند، از گسترش ریشه های سازماندهی خودجوش و سازمانگرا در سراسر کشور جلوگیری کند و ناباوری به تغییر و تحول انقلابی را به مردم تحمیل نماید.

با توجه به چنین موقعیتی، ما فعالین جنبش کارگری ایران در خارج از کشور ضمن افشای ماهیت ضد انسانی و ارتجاعی رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران، هر گونه سیاست و استراتژی جنگی طلبی و تحریم های اقتصادی کشورهای سرمایه داری جهانی که باعث فلاکت هر چه بیشتر کارگران و مردم محروم جامعه ما می شود را قویا محکوم می نمایم. ماهمچنین برپوچی ادعای حمایت دولتهای سرمایه داری و امپریالیستی در حمایت از فعالین جنبشهای مترقی اجتماعی از جمله جنبش کارگری تاکید میکنیم و در جهت افشای آنها خواهیم کوشید.

ما ضمن محکوم کردن ترور مجید حمیدی، دستگیری فعالین کارگری نیشکر هفت تپه و صدور احکام برای آنان و فعالین کارگری

فوری حقوقهای عقب افتاده، دستمزد مکفی برای یک زندگی شرافتمندانه، امنیت شغلی، بیمه های اجتماعی، مدرسه و بهداشت از حقوق ابتدایی و مسلم همه می باشد.

علیه اعمال جنایت کارانه و کارگر ستیزانه رژیم جمهوری اسلامی ایران با قدرت بایستیم!

ما خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط همه فعالین کارگری زندانی را داریم.

ما سیاست جنایتکارانه و کارگر ستیزانه رژیم ایران را محکوم می نمایم.

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

نوامبر - دسامبر ۲۰۰۷
isask@comhem.se

همبستگی بین المللی کارگری یک نیاز
فوری برای داشتن جهانی بدون خفقان،
استثمار، جنگ و گرسنگی است.

سنندج، فعالین زنان، دانشجویان، معلمین، نویسندگان و ملیتها، خواهان آزادی بدون قید و شرط محمود صالحی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی و رفع توقیف فعالین کارگری نیشکر هفت تپه، رفع محکومیت زندان و شلاق کارگران در کردستان و عدم اذیت و آزار و پیگیری قضایی فعالین کارگری هستیم. ما خواهان حقوق برابر تمامی کارگران مهاجر از جمله کارگران افغانستانی در ایران و پذیرش پناهندگان کارگر در سطح جهان می باشیم.

همبستگی با کارگران زندانی و مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی راه رهایی طبقه کارگر از قید و بند استثمار سرمایه داری رژیم جمهوری اسلامی ایران یک وظیفه دائمی همه مدافعین راستین جنبشهای مترقی اجتماعی در سطح جهان است. لذا ما عموم فعالین کارگری و اتحادیه ها و تشکلات مبارز کارگری در سطح جهان، از ادیخواهان، نیروهای مدافع منافع کارگران، احزاب و نهادهای سوسیالیست و مترقی و فعالین سایر جنبشهای اجتماعی را دعوت به شرکت در کارزار هفته همبستگی با جنبش کارگری ایران و بطور مشخص کارگران زندانی در ایران، که در دستور اقدام مشترک ما

Be Dish!

NO : 26
WEEKLY PAPER OF WORKERS SOCIALIST UNITY-IRAN

News - Political

Nov, 2007

FREE OSANLOO



رژیم جمهوری اسلامی کوشش می کند که با کمک اعمال جنایتکارانه شرایط را برای کارگران سخت تر کرده و جلوی سازمان یابی، برگزاری جشن اول ماه مه و اعتصابات کارگران شود.

یکی از این اعمال جنایتکارانه حمله

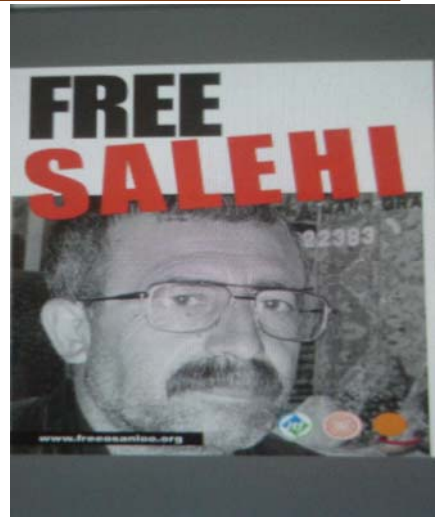
بقیه در صفحه ۱۱

و کارگران اعتصابی را به گلوله می بندد و آنها را به قتل می رساند. پایمال کردن حق اعتصاب جرمی است که رژیم اسلامی ایران مرتکب می شود. هزاران کارگر و پناهنده افغانی را به شیوه ای وحشیانه مورد حمله قرار داده و اخراج می کند.

کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و دیگر گروههای مردمی در وضعیتی خشونت بار بسر میبرند. این رژیم، یک رژیم قرون وسطی است.

ما همه شما کارگران، سازمان ها، احزاب چپ و مدافع حقوق کارگر را به مبارزه و اعتراض بر علیه این اعمال وحشیانه و جنایت کارانه جمهوری اسلامی ایران فرا می خوانیم و خواستار محکومیت سرمایه داران و دولت ایران هستیم.

**آزادی فوری و بدون قید و شرط
محمود صالحی، منصور اسانلو،
ابراهیم مددی، رضا دهقان و
دیگر فعالین کارگری را خواهانیم!**



**به اعمال و سیاست
کارگرسنیزانه بر علیه کارگران
در ایران پایان دهیم!**

رژیم جمهوری اسلامی، کارگران را مورد حمله و یورش قرار می دهد، ترور و بازداشت و زندانی میکند. فعالین کارگری

**محمود صالحی فراموش
شدنی نیست فراموشش
نکنید!**

سامرند صالحی

اولین باری که بیاد دارم (پدرم) محمود صالحی زندانی شد سال ۷۴ بود یعنی دوازده سال پیش. همراه با یکی از دوستانش دستگیر و مدتی در زندان بود! بار دوم ۷۸ و ۷۹ بود که همراه با چند نفر از دوستانش مدت دوماه ونیم در سلولهای اداره اطلاعات ماندگار شد!

پانزده سال ۷۹ بار دیگر دستگیر و مدت ۸ ماه زندانی شد. اول ماه مه ۸۳ همراه با دهها نفر از کارگران دستگیر و نزدیک به دو هفته زندانی اش کردند! حالا هم بار دیگر دستگیر و نزدیک به هفت ماه است در زندان سندانج زندانی و دارد مدت محکومیتش را میگذراند!

بقیه در صفحه ۱۰

**فراخوان مشترک برای
هفته کارزار حمایت از
جنبش کارگری ایران
در خارج از کشور**

در ایران گسترش موج سرکوب های اخیر علیه فعالترین و پیگیرترین اعضای شناخته شده تشکل های کارگری و فعالین سایر جنبشهای اجتماعی پدیده نوظهوری نیست. اما آنچه به این دور سرکوب ویژه گی خاصی بخشیده همانا رادیکالیزه شدن و پیشروی اعتراضات طبقاتی کارگران، پیشروی جنبشهای اجتماعی، در شرایط اوضاع و احوال اقتصادی - سیاسی و فشارهای داخلی و خارجی است که تمامیت رژیم جمهوری اسلامی را در منگنه قرار داده است. بحران های اقتصادی - اجتماعی همچنان رو به تشدید است. پوچی وعده های رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران و سرکوب کارگران و زحمتکشان بر

بقیه در صفحه ۱۱

Editor: Iraj Azrin

سردبیر: ایرج آذرین

editorbaroo@yahoo.se

www.wsu-iran.org